

مواد بهجت و سرور حیرت افزای عالمیان گشت - و از برکت جلوس میمنت مانوس شاهنشاه زمان بر تخت مرصع و آرایش جشن نوروزی و پیرایش بزم فرخی و فیروزی زمین چون آسمان صفا پرور و نورانی گردیده خاطرهای غنچه شده مانند گلبن سوزی گل گل شگفت - مجموع امرای عظام و ارباب مناصب والا و اعیان و اکابر و اعالی و اهالی دار الخلافه که بظایر ادای تهنیت و مبارکباد قدوم اقدس آمده بودند درین انجمن خاص بار عام یافته بنوازش گوناگون اختصاص پذیرفتند - و بظایر خواهش طبع فیاض که همواره درباب ایصال نفع بعموم خلائق بهانه جو است دست زر افتلن چون ابر ببارش زر داده غنی و فقیر را از خوان احسان بهره ور و زله بر گردانیدند *

هم درین انجمن والا مهین شاهزاده بلند اقبال از عنایت تشریف خاص با نادری و جمدهر مرصع بالماس و یاقوت گرانبها و زر کمر مرصع و سلطان سلیمان شکوه خاف آن والا گوهر بمرحمت خلعت و خفجر مرصع با پهلوانکثره اعظام یافته بانعام چهار لک روپیه سمت اکرام پذیرفتند - بعد آن علی مردان خان امیر الامرا و سعد الله خان بعلتای خلعتهای خاصه از اطلس که در کارخانه والا بکمال لطافت و پاکیزگی طلا دوزی نموده بودند بجز افتخار تارک بر افراختند - چون بعد از رحلت خان بلند مکان آصف نشان منتهای مراتب امرای عظیم الشان این دولت ابد پیوند هفت هزاری هفت هزار سوار در اسپه سه اسپه و انعام کرور دام که مجموع دوازده کرور دام باشد قرار یافته بود سعد الله خان را بانعام کرور دام مختص ساخته مطابق دوازده ماهه تفخواهش دوازده کرور دام مقرر فرموده باین پایه والا رسانیدند - دیگر امرای عظام مثل راجه جی سنگه و جسونت سنگه و رستم خان بهادر فیروز جنگ و جعفر خان و خلیل الله خان

و فاضل خان بمرحمت خلعتهای فاخره سرافرازی یافته تا شرف آفتاب هر روز بجمعی از بندها خلعتهای والا عنایت می شد چنانچه هزار کس از مردم کلان منصب بعطای شریف والا قامت افتخار برافراخته پیرایه عزت در بر گرفتند *

پرگنه پانی پت که یک کرور دام جمع موافق دو نیم لک روپیه حاصل دارد در وجه انعام اسوه طاهرات زمان قدوه مقدسات دوران بادشاهزاده عالمیان بیگم صاحب مرحمت فرمودند - و هر کدام از در پرستار خاص بادشاهی که بفرزونی قرب منزلت عز امتیاز دارند یک لک روپیه انعام فرموده دیگر مخدّرات سراق دولت را در خور پایه و منزلت بعطای نقد و جنس نوازش فرمودند - درین ایام سعادت فرجام از جمله پیشکش شاهزاده بلند اقبال و بیگم صاحب وغیره جنس شانزده لک روپیه که بدفعات در محفل معلی از نظر انور گزشته بود بموجب تفصیل ذیل درجه پذیرائی یافت - از بیگم صاحب جواهر و مرصع آلات یک لک روپیه و از شاهزاده کلان دو نیم لک روپیه و از علی مردان خان دو نیم لک و از سعد الله خان سه و نیم لک روپیه و تنمه از دیگران *

حیات خان بمنصب سه هزار و دوپست سوار و نصیری خان بمنصب سه هزار و هشت صد سوار و هر کدام از میرزا سلطان و فیض الله ولد زاهد خان بمنصب دو هزار و پانصد سوار و هر کدام از سید علی پسر سید جلال و سید هدایت الله صدر بمنصب دو هزار و صد و پنجاه سوار و میرک شیخ بمنصب هزار و پانصدی صد سوار و میر مصام الدوله بمنصب هزار و دوپست سوار و بسیاری از منصبداران و خانه زادان و احدیان و برقداران بفرزونی منصب و علوفه و روزیانه

و هر یک از میرجعفر داروغه داغ و میر صالح داروغه کتابخانه و پورن مل
بفدبله بانعام ماده فیل و مکند بخدمت فوجداری و امیدنی قنوج از تغیر
دلیر خان و رگهذاته پیشدست جمله الملکی سعد الله خان بخطاب رای
و عطای قلمدان طلا سربلند گشتند - و ایلچیان نذر محمد خان و عادل
خان بیجا پوری بانعام بیست هزار روپیه و کلانان بعطای سه هزار و فتحا
بمرحمت دو هزار روپیه کامیاب گردیدند *

روز سه شنبه سوم ربیع الثاني سال هزار و شصت فرخنده بزم وزن
مبارک آغاز سال شصت و یکم انعقاد یافته زینت بر زینت افزود و این
جشن در جشن گلگونه چهره کامرانی و غازه رخساره شادمانی گشته جیب
و دامن عالمی چون گریبان غنچه گل سوری از زر سوخ بر آورد - بهر یکی
از مسیح الزمان و آتش قلماق پنج هزار و بعدد الحמיד بادشاهنامه نویس
چار هزار و بحکیم حائق سه هزار روپیه مرحمت گشته تا یک سال پیشکش
روز پنجشنبه در انعام طاهر خان مقرر شد - علی مردان خان امیر الامرا را
دو باره بعنایت خلعت خامه و خنجر مرصع با پهلکتاره و اسپ با زین
زین سربلند ساخته بخصت کشمیر و رستم خان بهادر را به سفیهل
و راجه جی سنگه زا بوطن خود دستوری دادند *

چون میواتیان فساد پیشه از فرط زیاده سوری و فائز صابری خار راه
مترو دین مابین اکبر آباد و دارالخلافه شاهجهان آباد بودند و پرگنات
و قریات از تعنی آنها رو بویرانی نهاده بود تمامی محال وطن آن
مفسدان بطریق وطن در تیول کیرت سنگه دومین پسر راجه جی سنگه
که بنازگی بمنصب هشت صدی هشت صد سوار سرافرازی یافته بود
مرحمت نموده در قلع و قمع آن گروه واجب الدفع حکم جهان مطاع

بناکید و مبالغه صادر فرمودند - حسب الامر جلیل القدر راجه جی سنکه با تمام مردم خود جمله محال وطن آن ملعونان را باحاطه پرکار قبل نقطه وار در میان گرفته گروهی انبوه را بدار البوار راهی نموده بقیه السیف را آرازه باطراف و جوانب گردانید - و هرجانام و نشانی از آن قوم یاقوت از بیخ و بن بر کذده بجلی آن مردم خود را آباد ساخت - آتش قلماق را بعنایت خلعت و شمشیر و سپر پراق طلا میذا کار و انعام پنج هزار روپیه نقد سرافراز فرموده رخصت مراجعت بلخ دادند *

شروع سال بیست و چهارم جلوس مبارک

لله الحمد و الممت سال بیست و چهارم جلوس مبارک روز چهار شنبه غره جمادی الثانی سنه هزار و شصت بفرخی و فیروزی شروع شده جهانیان را مرده کامرانی داد - چون قبل ازین نامه نذر محمد خان مشتمل بر کیفیت مهربانی و قدر دانای بادشاه دریا نوال و شکر عنایات آن برگزیده ایزد متعال و مشعر بر تشنت خاطر و پریشانی احوال و التماس مزید مرحمت و التفات رسیده موجب مزید توجه آن حضرت گشته بود درینولا بمقتضای مکارم اخلاق و کرامت اشفاق سیادت مآب خواجه قاسم را بعنوان سفارت نزد خان مذکور فرستاده مبلغ صد هزار از قسم جواهر و مرصع آلات با نامه متضمن از لوازم خلعت و اتحاد و ده هزار روپیه بعبد الرحمن پسر خورد خان مذکور ارسال داشتند - سیادت خان بخشعی درم بانگانه پانصد سوار بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار و حراست قلعه اکبر آباد از تغیر بافی خان سرافرازی یافته روانه آن صوب شد - خستکه بی سفیر نذر محمد خان نامه مشتمل بر امداد و معاونت آورده گزانیید و بدولت دریانت ملازمت سرافرازی یافته بانعام خلعت و چهار هزار روپیه نقد کامیاب شد *

چون خدمت ضبط ولایت چورا گده از سردار خان از قرار واقع
 بتقدیم فرسید خاقان جهان راجه بهار سنگه را باضافه هزاره ذات بمنصب
 چار هزاره سه هزاره سوار دو اسپه سرافراز گردانیده چورا گده در جاگیرش
 مرحمت نمودند - شیخ عبد الصمد عمودی که رتق و فتق مهمات شریف
 محسن بدر متعلق بود و قبل ازین از جانب او بعنوان سفارت آمده
 بانعام عام بادشاه بنده نواز بهر وافی برداشته معارفت بمکه معظمه نموده
 بود درینولا برهنمونئی بخت بیدار روی امید بدرگاه گیتی پناه آورده
 هژدهم رجب از سجود آستان ملانک پاسبان ناصیه انروز طالع گردید
 و بمنصب هفت صدی صد سوار و انعام خلعت و ده هزار روپیه بلند
 پایگی یافته داخل بندهای درگاه شد •

بیست و یکم از واقعه میوات بعرض رسید که راجه جی سنگه با چهار
 هزار سوار و شش هزار نفر و تبردار بمیوات آمده خانمان میواتیان
 را سوخته و خراب ساخته و جمعی کثیر متمردان را که جز قطع طریق
 و قتل مترددین کاری نداشتند بی سر و پی سپر کرده عیال و اطفال آن
 بدسگالان را اسیر و دستگیر نموده بقیه السیف را مستاصل مطلق گردانید -
 خدیو قدردان بنده نواز از جمله منصب راجه را که پنج هزاره پنج هزار سوار
 سه هزار دو اسپه بود هزار سوار دیگر دو اسپه سه اسپه ساخته برگفته چال
 کلیانه بجمع هشتاد اک دام بجاگیرش و خدمت فوطه داری آن معال
 به کیرت سنگه باضافه منصب مرحمت نمودند •

غیرت خان که از قبل شاهزاده بلند اقبال بضبط صوبه گجرات
 و منصب دو هزاره سوار داخلی سرافراز بود درینولا در سلک بندهای
 درگاه منسلک گشته باضافه هزاره ذات و عقیبت عام و طاهر خان و حیات

خان نیز بعد از آنکه علم راس المال مزید اعتبار و افتخار جاوید اندوختند - چهاردهم شعبان سال هزار و شصت مظهر فیض جلی میر سید علی ولد سید جلال مرحوم بخدمت داروغگی کتابخانه و نقاش خانه از انتقال میر صالح خوشنویس که پنجم ماه مذکور سر بر خط اجل نهاده نقش حیاتش از صفحه روزگار محو شده بود امتیاز یافت - و خدمت جواهر خانه از تغیر موسی الیه به محمد شریف ولد اسلام خان و خدمت بکالوی از تغیر بهرام به یحیی ولد سیف خان و خدمت داروغگی زرگرخانه به بهرام مقروض شد *

شب چهاردهم بتماشای سفاین که بطرح غریب و نقش بدیع چراغان نموده هزاران هلال سفینه را رشک فرموی بدر منیر و جوتبار چون را از چراغان هر دو طرف روکش نهر کهکشانی بل جوی شیر ریاض رضوان ساخته بودند پرداخته بجزیره و سفاین را مهبط افروز حضور نمودند - پانزدهم بغرّه ناصیه دولت و اقبال جموعه مریع بقیمت هشتاد هزار روپیه عنایت نموده تقرب خان را بمنصب سه هزار سوار از اصل و اضافه بلند پایه گردانیدند - فراست خان ناظر مشکوی دولت را بانعام خلعت و پانصد مهر سرافراز ساخته رخصت زیارت حرمین شریفین دادند - و بمتصدیلین احمدآباد فرمان شد که متاع یک لک و پنجاه هزار روپیه بابت بر عرب که بعد از فروخت با مذاهب سه لک روپیه می شود همراة موسی الیه نموده حکم فرمودند که یک لک روپیه بشریف زید بن محسن برساند و یک لک روپیه بفضلا و صلحا و میر فرمان مکه و یک لک روپیه بفقرا و مساکین مدینه منوره قسمت نماید *

ششم ربیع الثانی سال بیست و سوم جلوس مبارک در اثنای گذشتن اسپان از نظر اشرف چون ریاضی اسپ را بجولان آورده همین که

گرم عنان ساخت در آن وقت قاضی اسلم بمجرا می آمد از واهمه
پایش بدر رفته بزمین افتاد و آسیبی سخت رسیده مدت چار ماه
صاحب فراش بود و بعد یافتن صحت از پیشگاه خلافت بر رفتن زیارت
حرمین شریفین و بردن متاع که مصحوب فراست خان فرستاده شد
مکلف گردید - او از بی توفیقی قبول نموده التماس رخصت کابل
نمود - بادشاه حق آگاه اگرچه از قاضی این معنی را نه پسندیده او را
محرور دولت صورت و معنی دانستند اما بنابر صورت سیورغال کابل
که ده هزار روپیه حاصل داشت بدستور سابق مسلم داشته قاضی خوشحال
را که بحلیه صلاح و تقوی آراسته و سابق خدمت قضای دارالخلافه
داشت بعنایت خلعت و خدمت قضای عسکر ظفر اثر و منصب
پانصدی ذات سرافراز نمودند *

چون سن مبارک از شصت تجاوز نموده مرخصات افطار به تحقیق
بدیروت و علما و فضلا از روی کتب فقه فتوی دادند که اگر کارفرمایی
زمانه بنابر ضعف بدن افطار نمایند و فدیة بدهند جایز خواهد بود - لاجرم
بر طبق تجویز ارباب شرع شریف عمل نموده مقرر ساختند که در هر
رمضان شصت هزار روپیه فقرا و مساکین و محتاجان بعنوان فدیة
بدهند و هر شب سالاران خوان نعمت سماط نوال گسترده اقسام طعام
و انواع شیرینی و فواکه و خوشبو درمیان آورده همگنان را بتناول نعمتهای
خاص صلامی عام دادند - غرض شوال بادشاه دیندار بجهت ادای دوگانه عید
بمسجد منظور نظر خلیفه آلهی پرستار خاص بادشاهی بی بی اکبر آبادی
محل شریف فرموده از زر نثار جیب و دامن فقرا را پر نمودند *

سوم ماه مذکوره پیشکش بادشاهزاده شاه شجاع بهادر از نفایس
بنگاله و غیره بقیمت یک لک و پنجاه هزار روپیه از نظر اشرف گزشته

منظور نظر فیض اثر شد - جان نثار خان عرف یادگار بیگ میر توزک
بمرحمت خلعت و منصب دو هزاره هشت صد سوار و خدمت
بخشی گویی دوم از تغیر شادی خان سر بلندی یافته سید بهادر از تغیرش
بخدمت میر توزک بلند پایگی یافت - دوازدهم ببادشاهزاده محمد
شجاع پاندان مرصع با شمشیر خاصه زر نشان و دو اسپ بساز طلا میذاکار
و اقسام پارچه ارسال یافته سید سلطان ملازم شاه بلند اقبال را بعزایت
خلعت و منصب هزار و پانصدی دریست سوار بحراست عوبه پنجاب
از قبل آن والا جناب سرفراز گردانیدند - شانزدهم بچتر خن کلونف
را که ابراهیم عادل خان از ذنات طبع و تصور فهم دختر برادر خورد بعقدش
داده و ازو فرزندان بوجود آمده بانعام چهار صد مهر نواختند *

روز شنبه هژدهم نو نهال بوستان دولت سلطان سپهر شکوه را که شش
سال شمسی از سنین عمرش منقضی شده بود در حضور اقدس وزن
نموده هم سنگش بفقرا و مساکین قسمت نمودند و آن والا گهر سر پیچ
اعلی قیمتی عطا نموده از اصل و اضافه چهار صد روپیه روزیانه و پانصد
روپیه روزیانه سلطان سلیمان شکوه مقرر فرمودند - مرتضی خان بسبب
کبر سن و ضعف قوی از منصب بر طرف گشته بسالیانه بیست لک
دام داخل دعا گویان شد - چون بعرض مقدس رسید که بانگی که
عصمت پناه اکبر آبادی محل نزدیک سرای بادای بفاصله دو نیم
کروه از قلعه شاه جهان آباد بنا نهاده بود باتمام رسیده بفیض نزول اشرف
طراوت دیگر بخشیده رونق بر رونق افزودند - آن پرستار خاص هژده خوان
زر و سیم نثار مقدم مبارک نموده سرفرازی بی قیاس اندوخت - این
باغ نو آئین که فضایی فرح افزایش بهوا داری فیض از ارم گرفته و زمین
دانشینش بفرش سبزه و گل گوهر خویشتن را بر رخ فلک ثوابت

کشیده نمونه باغ فیض بخش و فرح بخش لاهور و کشمیر است .
 بهمان طول و عرض حیاض و انهار و خیابان و چمن بنا یافته محیط
 لطیف و بدایع گوناگونست و چون دلی بی غم خوش و خرم
 و مانند نزهت آباد فراغ خاطر داغ دل گلشن جنان - مجملاً آن
 منظور نظر بترتیب مرتبهای عالیه مربع سه صد گز در سه صد گز بنا
 یافته زمین دو مرتبه بالا قریب بسه صد گز از سطح مرتبه پائین بلند است
 و مشتمل بر منازل دانشین - و در هر مرتبه که سه صد گز طول دارد
 نهری بعرض هشت گز در وسط حقیقی آن جاریست و آب نهر مذکور
 در هر عمارت بعرض دو گز و بعضی جا کم و بیش سایر و دایر گشته
 در حوضها بصورت آبشار می ریزد - و حوضهای کلان و فوارههای در
 فشان قطار اندر قطار و بروج و عمارات بهر دو باغ کلان لاهور و کشمیر
 مانند است سوای حوضی که در مرتبه دوم بطول بیست و دو
 و عرض هفده گز و هر چهار طرفش ایوانهای نو آئین و بر دو ضلع آن
 دو چوکندهی واقع شده مانا به حوض منجھبی بهرون - و حوضی دیگر منمن که
 قطرش چهل گز است و هر ضلعش هفده گز و بیست و یک فواره دارد
 بعینه نمونه چشمه شاه آباد - از حوض مرتبه دوم همان نهر بعرض هفت گز
 تا خیابان پیش جاری شده و بر دوز ایوانها جریان یافته بحوض منمن
 داخل می شود و از آن برآمده بجانب ضلع شمالی این باغ می رود و از آن
 پس از مرتبه باغ سوم گزشته در تالابی که بطول در صد و چهل و پنج
 و عرض یک صد و شصت گز بیرون باغ مرتب گشته داخل می شود -
 مجملاً در عرض چهار سائ بصرف دو لک روپیه صورت تمامیت پذیرفت -
 سرای بادابی که خام بود نیز از سرکار عصمت پناه بی بی اکبر آبادی محل
 خاص مشتمل بر هفتاد حجره و پیش حجره و ایوان بگج و ریخته حسن انجام

یافت - ملا شفیعی یزدی نهم ذی حجه از بساط بوس انجمن حضور پر نور
بر کام خاطر فیروزی یافته بعذایت خلعت و انعام سه هزار روپیه نقد
و منصب هزاره صد سوار معزز و مفتخر گردید - مومی الیه بعد از
تحصیل علوم متداوله عقلیه و نقلیه برای تحصیل روزی حلال مبلغی از
سوداگران بعنوان مضاربت گرفته به هندوستان بهشت نشان که ماوای فاز و
نعیم راتبه داران زمان و زمین است چندی در اردوی معلی بسربرد
و پس از معاودت موکب نصرت از کابل بصوب هندوستان بقصد مراجعت
ایران بسورت رفته چون طالعش رو به بلندی داشت مراتب دانش و
استعداد او معروض اشرف گشته فرمان طلب او بنام متصدیان آنجا اشرف
صدور یافت *

چون بعد از سپری شدن ایام راول منوهر رامچندر برادر زاده
او که شایسته جانشینی نبود بی حکم اقدس بجای او نشست و روپسنگه
راتهور سبل سنگه خویش راول را که منوهر خواهش جانشینی نموده بود
بدرگاه والا فرستاد و عرضداشتی مصحوب او متضمن التماس مرحمت قلعه
جیسلمیر و خطاب راول برای او ارسال داشت بمراحم بادشاهانه مومی
الیه را بانجراح ملتسمات مذکور سر افراز ساختند - سوم ذی قعدة از
عرض داشت سبل سنگه بعرض مقدس رسید که چون او بقلعه جیسلمیر
رفت اکثر مردم آنجا بار گرویدند و قلعه بتصرف او در آمد و
رامچندر بی ستیز و آویز رو بفرار نهاد - در فیل که سبل سنگه زمیندار
ساتلمیر ارسال داشته بود از نظر انور گزشت - حضرت خاقانی برگذ
ساتلمیر را با قلعه آن که برارل منوهر بهاتی زمیندار جیسلمیر متعلق
بود بعد از در گزشتن او در تیول راجه جسونت سنگه مرحمت فرمودند -
بیست و هشتم از مضمون عرض داشت راجه بمسامع حقایق مجامع

رسید که قلعه مذکور بمحاصره نه روز مفتوح گشت و پرتاب بهائی در قلعه با گروهی که بود بقتل آمد *

دهم ذی حجه بجهت ادای نماز عید الضحی بمسجد عصمت پناه بی بی اکبر آبادی تشریف برده بعد از مراجعت سنت قربان به تقدیم رسانیدند - درین روز بشاهزاده بیدار بخت دازا شکوه خلعت خاصه و یک قطعه لعل و دو لک روپیه نقد بجهت انجام حویلی شاهجهان آباد که سابق نیز در لک روپیه برای ساختن آن داده بودند مرحمت فرمودند - بیست و نهم منشور عاطفت منشور با خلعت خاصه و سرپیچ مرصع که قیمت مجموع هشتاد هزار روپیه بود با فیل کوه شکوه نام با ساز نقره و ماده فیل و فیلی خورد بعادل خان حاکم بیجا پور مصحوب فتح الله خان فرستادند *

چون از عرض داشت متصدی بندر سورت بعرض مقدس رسید که سلطان محمد خان فرمان فرمای روم سید محی الدین نامی را بعنوان سفارت با نامه فرستاده وارد سورت گردیده از پیشگاه خلافت فرمان و خلعت بسید محی الدین مصحوب خواجه روشن گریزدار و بنام متصدیان مهمات صوبجات دیگر حکم معلی اشرف صدر پیوست که هر کدام بموجب ذیل بایلیچی مذکور بدهند - متصدی بندر سورت ده هزار روپیه از خزانه عامه و ملتفت خان صوبه دار برهانپور ده هزار و میرزا خلیف ناظم مهمات مانند ده هزار و شاهنواز خان صوبه دار مالوه ده هزار روپیه و خلیل الله خان در شاهجهان آباد ده هزار روپیه *

درین ایام چون خاطر اشرف متوجه شکار نیله بود در هشت روز بنجابه نیله بتفنگ خاصه شکار شد - محمد صالح خوانی مشرف نوبخانه بخدمت کوتوالی از تغیر قایم بیگ سرافراز گردید - نوزدهم

بادشاهزادۀ والا قدر محمد اورنگ زیب بهادر حسب الطلب اشرف
از ملتان رسیده سعادت اندوز ملازمت اقدس گشته بعفایت خلعت
خاصه سر بلندی یافتند *

جشن وزن شمسی

بیست و ششم محرم الحرام سنه یک هزار و شصت و یک مطابق
بیست و نهم دی ماه روز پنجشنبه مجلس آغاز سال شصتم از عمر جاوید
طراز و جشن وزن شمسی وزن مبارک در ایوان رفیع مکان شاه محل
انعقاد یافته انجمنی بهشت آئین بزیب و زینت تمام آراستند و عالمی
از فیض احسان بادشاه دریا دل کامیاب گشته سرمایه سیر چشمی اندوخت -
پیشکش شاهزادۀ والا گهر اورنگ زیب بهادر قدیمی جواهر و دوازده اسپ
و چهل و پنج استر و پانصد شتر از نظر اندوز گزشته آن والا گهر بانعام یک
لک روپیه سر افزای یافت - ذوالفقار خان بانضافه منصب پانصد سوار
بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و محمد ابراهیم پسرش از اصل و اضافه
بمنصب هزاری ششصد سوار فرق مبهات بر افراختند *

توجه اشرف بگلگشت کشمیر جنت نظیر

چون در موسم برسات گزشته بسبب عدم بارش باران هوای دارالخلافه
بعفایت گرم گزشت لاجرم سعادت نصیبه بقعه کامل نصاب کشمیر محرک
اراده آنحضرت آمده عزم آن سمت سمت جزم پذیرفت - چنانچه غره
ربیع الاول سال هزار و شصت و یک طلیعه افواج بحر امواج موکب منصور
بجانب مذکور متوجه شده در اعرابان نزول اجلال فرموده اول شاهزادۀ
عالی مرتبت محمد اورنگ زیب بهادر را بعفایت خلعت خاصه و در

اسپ با ساز طلا عز امتیاز بخشیده بملتان و ثانیاً جعفر خان را از اصل و اضافه بمنصب پنج هزاره پنج هزار سوار دو اسپه سه اسپه و عنایت خلعت و اسپ با زمین زرین و قیل از حلقه خاصه و صوبه داری تنه از تغیر سعید خان بهادر ظفر جنگ مدهی گردانیده رخصت آنصوب فرمودند - و نامدار پسر خان مذکور را از اصل و اضافه بمنصب هزاره ششصد سوار سربلند گردانیدند - خلیل الله خان را بمنصب چار هزاره چار هزار سوار و صوبه داری شاهجهان آباد مختص ساختند - و لهراسپ خان را از اصل و اضافه بمنصب هزاره سه هزار سوار و خدمت میر بخشی از تغیر خلیل الله خان بر فواخته سلطان حسین ولد اصالت خان را بفوجداری میان دو آب و محمد شریف ولد اسلام خان را بخدمت بخشی گری و واقعه نویسی دارالخلافه سرائوز گردانیدند - فیض الله ولد زاهد خان کوکه بخطاب خانی سر فرازی یافت *

روز دیگر کوچ در کوچ ازین منزل متوجه پیشتر شده از نزدیکی سرهند شاه بلذد اقبال را رخصت لاهور دادند - شانزدهم دولتخانه سرهند را از نزول اشرف رشک ازم ساخته از آنجا بسر کوچ بکنار آب ستلج رسیده بیست و پنجم از دریای بیاه برکشتی سوار عبور نمودند - غره ربیع الثانی بباغ فیض بخش دار السلطنت لاهور نزول اجلال فرموده آن مکن فردوس زیب را از فرمقدم همایون رشک فرمای بهشت برین گردانیدند - شاه بلذد اقبال با نونهال بوستان دولت سلطان سلیمان شکوه و خسرو سلطان ولد نذر محمد خان و مغل خان حاکم معزول تنه سعادت ملازمت دریافته مشمول توجهات والا گردیدند - دوم عابد خواجه که در ایام ذفرقه نذر محمد خان او را نقیب گردانیده بود باستیلام سده سپهر مرتبه رسیده نه اسپ در پیشکش گزاید و بعنایت خلعت و منصب هزاره

صد و پنجاه سوار و انعام چهار هزار روپيه سر بلند شده داخل بندهای درگاه گردید - چهارم همعنان دولت و اقبال از باغ مذکور بدوالت خانۀ لاهور تشریف فرمودند *

جشن وزن قمری

پنجم ماه مذکور روز در شنبه محفل وزن مبارک قمری آغاز سال شصت و دوم از سنین عمر مبارک ترتیب داده باشاء سر انگشت چون جهانی از ارباب نیاز را بر مراد خاطر فیروز نمودند و بایمائی گوشۀ ابروی عطا برای عالمی سرمایۀ استغنا آماده ساختند - حیات خان را بمنصب سه هزار و پانصد سوار و سید سلطان ملازم شده بلند اقبال را بمنصب دو هزار و چار صد سوار و خطاب صلابت خان و تربیت خان را بمنصب هزار و پانصدی هشتصد سوار و ملا شفیععلی یزدی را بمنصب هزار و پانصدی صد سوار و حسین قلی آغر را بمنصب هزار و هشتصد سوار و اسد الله ولد شیر خواجه را بمنصب هزار و پانصد سوار و ناظر خان را بمنصب هزار و دو صد سوار از اصل و اضافه مفتخر و مباهلی گردانیدند - و غیرت خان را که از قبل شاهزادۀ کلان بنظم صوبۀ گجرات می پرداخت بمنصب سه هزار و پانصد سوار و شیخ عبد الکریم تھانیسوی را بعد از تغییر دیوانی اکبر آباد بخدمت و کالت گرامی اختراوج دولت و اقبال و منصب داخلی هزار و صد و پنجاه سوار و شیخ موسی گیلانی را بخدمت دیوانی کابل و مرحمت ماده فیل سر بلند و معزز نمودند - به بدیع الزمان امین لختی محال خاصه صوبۀ پنجاب و سید محمد محمود کروری بناله و غیره ماده فیل مرحمت شد *

پانزدهم بمنزل خلف دودمان عز و جلال شاه بلند اقبال شرف
 نزول ارزانی فرموده از جمله نثار و پیشکش یک لک روپیه را متاع گرفتند -
 از جمله پیشکش سعد الله خان نیز جواهر و اقمشه یک لک روپیه بشرف
 پذیرائی رسید - پیشکش روز یکشنبه تا یک سال به ملا شفیعی یزدی
 مرحمت فرمودند - اهراسپ خان میربخشی را تا رسیدن سعید خان بهادر
 ظفر جنگ از تنه بجهت نظم مهمات و پرداخت معاملات صوبه کابل رخصت
 فرمودند - کب اندر ستیاسی که در تالیف دهرپد و تصنیفات هندی
 سابقه درست و مهارت تام دارن بدرگاه عائم پناه رسیده رخصت بار
 یافت و تصنیفاتش پسند خاطر مبارک افتاده بخلعت و انعام دو هزار
 روپیه مباحی گشته سر عزت باوج فلک برافراخت *

چون حقیقت پریشانی مغولان تالان زده امان بیدین و بی ایمان
 بعرض مقدس رسید چهل هزار روپیه عنایت نموده حکم فرمودند که سید
 هدایت الله صدر و میرک شیخ و مظفر حسین بخشیمی احدیان و سید بهادر
 میر توژک به بی نوایان و دل شکستگان بلخ و بدخشان قسمت نمایند -
 و از رافعه بنگاله بعرض مقدس رسید که بندر هجلی را با قلعه حاکم نشین
 ملازمان نادرشاهزاده عالی تبار شاه شجاع بسوگردگی خان بیگ که از قبل
 آن والا گهر بخراسان صوبه اودیسه می پرداخت از تصرف زمیندار آنجا
 بر آورده ضمیمه ممالک محروسه گردانیدند - منصب خان بیگ مذکور از
 اصل و اضافه هزاره هفت صد سوار قرار یافت *

بذابر آنکه ساعت کوچ والا بصوب کشمیر بیست و چهارم جمادی
 ثانی مقرر شده بود پانزدهم ماه مذکور امیرالامرا بعنایت خلعت خاصه
 و کمر خنجر سر بلند گشته بجهت ساختن راه پیشتر روانه شد - عبدالرحمن

سلطان که در آغاز سال بیست و سوم جلوس مبارک غره جمادی الثانی رخصت یافته بود پدر محمد خان را ملازمت نموده بذابری مصلحت وقت بحکومت و امانت ولایت غوری که سابق محافظت آن بعهدہ حبیب درمن بود از جانب خان مذکور رخصت یافت - درین اثنا سبکان قلی خان قابو یافته با جماعت کثیر از اوزبک و الحان بر سر بلخ آمده کار بر پدر محمد خان تنگ ساخت - ناگزیر خان معزاییه به عبد الرحمن نوشت که از راه برگشته بمدد پدر رسد - او بعد از اطلاع بر حقیقت حال و ابا و امتناع قلعدار غوری برجناح استعجال روانه بلخ گشته بمکاتبه ابراهیم ایدک که سر راه بر او گرفته بود پرداخت و جنگ سخت درمیان آمده ابراهیم مقتول گردید - در اثنای این حال قلماقان که با سبکان قلی متفق بودند از چهار جانب رسیده هنگام آریز و ستیز گرم ساختند - عبد الرحمن سلطان بذابری قلمت جمعیت تاب مقاومت نیارده رو به هزیمت نهاد و از نامساعدی طاع بعد از طی دو منزل گرفتار شده در زندان سبکان قلی خان افتاد - چون نقش چذین نشست و صورت هلاک خود را در آئینه معاینه مشاهده نمود نگاهبانرا امیدوار نوازش پادشاهی نموده بلطایف الحیل باتفاق آنها روانه درگاه گردید - شانزدهم بدریافت ملازمت اشرف رسیده زندگی از سر نو یافت و بعزیمت خلعت خلمه و جمدهر مرصع با پهلونکناره و منصب چار هزاری ذات پانصد سوار و اسب با زمین زرین و ماده فیل و بیست هزار زوپیه نقد سر بلند گشته از انعام عام پادشاه عالم پناه همراهانش نیز بمنتهای آرزو رسیدند •

سعد الله خان بهادر ظفر جنگ از صوبه بهار بزمین بوس حضور رسیده بعد از مرحمت خلعت و اسب با زمین زرین و فیل خلمه و خدمت صوبه داری کابل چهارم رجب روانه آن صوب شد - و مظفر

حسین را از اصل و اضافه بمنصب هزاری چار صد سوار و خدمت بخششی گری و داروغگی توپخانه صوبه کابل معزز ساخته به مهین اختر فلک جهانبانی نالکی که هفتاد هزار روپیه قیمت داشت عنایت نمودند - مرشد قلی را بخششی گری و ناک علی را بخدمت قلعداری و محمد صالح را بکوتوالی لاهور برنواخته آخر روز بیست و نهم جمادی الثانی باران سیر کشمیر از دار السلطنت لاهور کوچ نموده آن روی آب راری در خیمه و خرگاه نزول اجلال ارزانی فرمودند - بحکمت حکیم کامل قدرت که فاعل مختار است درین سال اول برسات باران کمتر بارید و از افراط حرارت زراعتها رو به پختگی نهاد و آخر باران رحمت الهی شروع در بارش نموده تا چهار ماه بشدت تمام در اطراف و اکناف بارید - چنانچه دریاها طغیانی نموده آب بهت تا هفت روز محیط قصبه بهیره بوده مردم را نزدیک به هلاک رسانید - و بعد از انتظار بسیار تفرل نموده کافه انام را از قید اضطراب رهایی داد *

آغاز سال بیست و پنجم از

جلوس مبارک

روز یکشنبه نهار جمادی الثانی سنه یک هزار و شصت و یک موافق سی و یکم اردی بهشت ماه الهی آغاز سال فرخنده قال بیست و پنجم جلوس میمنت مانوس از کنار رودبار راوی کوچ فرموده فروغ فلیقه دولت و اقبال بادشاهزاده بلند اقبال را بعنایت خلعت خاصه و سرپیچ گران بها از لالی و زهرود که اکثر اوقات بفرق همایون می بستند سر بلند ساخته با سلطان سلیمان شکوه دستوری معارفت لاهور دادند - بعد از ورود بساحل آب چذاب کشتیها را با یکدیگر پیوسته پل بستند و باسانی تمام از آن راه

کشاده گزشتند - بادشاهزاده مراد بخش از کابل آمده شرف اندوز
ملازمت گردید و بعفایت خلعت خاصه و دو اسپ از طویله خاصه با زین
طلا و صاحب صوبگی مالوه مشمول عواطف گشته دستوری یافت *

چون لوایل برسات از امساک و اواخر از افراط باران بمزروعات خالصه
شریفه صوبه پنجاب که حاصلش قریب بچهل کروڑ دام نزدیک بصد لک
روپیه است آفت رسیده بود سعد الله خان را بجهت تشخیص معاملات
پنجاب و استمالت رعایا درین جا گزاشته سه کوچ به بهنجر و از آن مکان
در عرض پنج روز به تهنه نزل نموده پانزدهم در ادهی پنجروز نزل اشرف
فرمودند - و شانزدهم پنج و نیم کروه راه پیموده اعتقاد آباد را بقدم اشرف
سورد برکات گردانیدند - از بسیاری نشیب و فراز و فاهمواری و تنگی راه
اعلی حضرت به تصدیق تمام یک بهر روز مانده بمنزل رسیدند و ملکه دوران
باهل محل بادشاهی وقت شام وارد گشتند - هفدهم از کتل حیدر آباد
که از سر کتل تا پا برف بود و بعضی جا یک گز و بعضی جا کمتر ارتفاع
داشت آنرا لکدکوب نموده همه جا زینه بریده بودند عبور نموده در ادهی
حیدر آباد که از منزل گزشته در کروه بود نزل اجلال فرمودند - هژدهم
باروی و نوزدهم بدیوی و بیستم باره موله مخیم سراق دولت و اقبال
گشت - و از آنجا بیست و یکم برگشتی که امیر الامرا قبه و ستونش از
طلای ناب و غلانش از زربفت ترتیب داده و دیگر سفایین سرکار خاصه که
در کمال زیب و زینت ساخته شده بود سایر خدمه محل سوار شده
با هزاران شادمانی متوجه شهر گشتند - و جا بجا خوامان و تفرج کفان
مرحله پیمایا گردیده شب در سراق عصمت که بر ساحل دریا نزدیک
لوی پور برپا شده بود گزانیدند - درم در باغ که بر ساحل رود بهت بهت که
بکمال زیبائی و زینت احداث پذیرفته نزل فرمودند - بیست و سوم روز

مبارک دو شنبه ساحت دولتخانه سپهر نشانه کشمیر را از پرتو ورود مسعود غیرت افزای طارم چارم گردانیدند - بیست و ششم منزل امیر الامرا بیمن مقدم خاقان بنده نواز سوزد برکات و مصدر سعادت گردید - خان معز الیه بشکر این مرحمت والا از جواهر و اقسام اقمشه نفیسه کشمیر بقیامت یک لک و بیست هزار روپیه گزرا نیده سرتفاخر از اوج فلک در گزرا نید - دوم رجب سعد الله خان که در وزیر آباد چندی بجهت تفقیح معاملات پنجاب مازده بود آمده ملازمت نمود - محمد صغی پسر اسلام خان که به بیجا پور نزدیک عادلخان رفته بود آمده ملازمت نمود - و پیشکش بادشاهی که از نقد و جنس و انیال چهل لک روپیه بود و بجهت باشاهزاده جهانیان بیگم صاحب از نقد و جنس پنج لک روپیه و برای مهین اختر برج خلافت نقد و جنس و انیال بقیامت پانزده لک روپیه آورده بود بعرض اقدس رسانید - کفور رام سنگه ولد راجه رام سنگه باضافه پانصد بمنصب هزار سوار مفتخر گردید *

چون حقایق آگاه ملاء شاه بدخشی از مریدان قدره المحققین میان میر بدیدن بادشاه معارف گاه آمده فیض صحبت دریافت چهارم این ماه بادشاه درویش نواز بمسجدی که از سرکار ملکه زمان بادشاهزاده جهان بیگم صاحب برای عبادت گاه او بصرف چهل هزار روپیه و عمارت اطرافش بجهت بودن فقرا در ثمال صفا و پاکیزگی بمبلغ بیست هزار روپیه صورت اتمام یافته بود تشریف فرمودند - آن خلوت گزین زاویه تجرید بدولت مجالست رسیده از سخنان بلند حقایق و معارف بهره وافی اندوخت - دهم در بیست اشرفی بشیخ یحیی گیلانی مرحمت فرمودند - و فرجدار بی پنوج و کاشال و دمیال بجبار قلی ککهر مقرر ساختند - درازدهم آدم خان ولد علی تبتی و محمد مراد برادر زاده او را بعنایت خلعت

سرافراز ساخته با علیم بیگ و نعیم بیگ پسران سلیم بیگ کاشغری که ضامن آدم و محمد مراد شده بودند با گروهی از زمینداران کشمیر رخصت فرمودند که به تبت رفته میرزائی را که بر همنمونی ادبار رو از بزدگی تافته مستاصل سازند و ولایت تبت بتصرف در آورده بضبط و ربط مهلت آنجا پردازند *

ملا فروغی شاعر که در نکته سنجی طبع موزون دارد مثنوی در تعریف شاهجهان آباد از نظر اشرف گزرانیده باذعام هزار رویه عز امتیاز اندوخت - میرزا خان نبیرا عبد الرحیم خانخانان بخدمت قلعداری احمد نگر از انتقال احمد خان نیازی و ملتفت خان خلف اعظم خان بخدمت دیوانی خاندیس و برادرش مغل خان بصوبه داری تته سر بلند گردیدند - شب یازدهم که لیلة الجرات بود مبلغ مقرر به نیازمندان و محتاجان کشمیر قسمت فرموده با پردگیان شبستان دولت بتماشای چراغان بساتین دل و اطراف آن و تفرج سفاین که بروش غریب روشن شده بود پرداختند - هژدهم بسیر تالاب صفاپور که گلگشت آن قطعه دانفشین و تفرج عیون ماء معین یاد از خوشی و دلکشی ارم می دهد بر کشتی تشریف فرمودند - شب هفتم تماشای چراغان بر کوهچه آن روی آب که ملازمان ملکه دوزان نموده بودند فرمودند - روز دیگر کشتی سوار بشهر معاودت فرموده بیست و هفتم چون از عرضداشت آدم خان تبتی بعرض مقدس رسید که میرزائی نابکار با توابع راه فرار سر کرده و تبت بتصرف بندهای درگاه آمده او را از اصل و اضافه بمنصب هزاری پانصد سوار سر افراز ساخته ولایت تبت که هشتاد لک دام جمع دارد در جاگیر او و برادرانش بطریق وطن مرحمت نمودند و بکب اندر ماده نیل و هزار رویه نقد مرحمت شد *

مراجعت از کشمیر به لاهور

چون اواخر بهار بسبب فزونی بارش و طغیانی آب ریاض و حدایق اطراف و وسط دل بی صفا و رونق گردید و باغ دولتخانه که پایان جهروکه واقع است از کثرت درآمد آب از طراوت افتاده و اشجارش خشک گردید و مقارن این باد تند بوزش در آمده درخت بسیار از سفیدار و چنار بر زمین افداخت و سیرگلهای کشمیر از صفا و پاکیزگی و نزهت و ترو تازگی بیگانه مطلق گشت از غایت بیدمانی مکرر بر زبان قدسی ترجمان گزشت که آمدن کشمیر بعد از طی منازل دشوار و عقبات صعب و تصدیع برف و باران محض بجهت تماشای گل و سبزه و آب است هرگاه طغیان آب حدایق و سیرگلهای اینجا چنین بی صفا و بی طراوت ساخته و شدت باد بدین درجه لطف همه چیز را از پا براندازد و باوجود تماشای بساتین و حدایق لاهور و شاهجهان آباد و تفرج ماء معین. روزهای ارم آئین این همه تصدیع بر خود پسندیده بدینجا آمدن محض فعل عبث است انشاء الله تعالی بعد ازین هرگز روی توجه بدین طرف نخواهم گذاشت - لاجرم بدین داعیه بیشتر لشکر ظفر اثر را برای راست رخصت نموده غره رمضان سنه بیست و پنج جلوس مبارک خود بدوامت برای شاه آباد متوجه هندوستان فیض نشان گردیدند - و بسواری کشتی تا اسلام آباد معروف بانفت ناک که مقطع سیر عالم آب است قطع منازل نموده از آنجا برای خشکی بسیر منجی بهون و صاحب آباد و شاه آباد پرداخته بهیرپور توجه فرمودند - و از آن مکان برای کریوه پیر پنچال کوچ به کوچ قطع مراحل نموده در عرض نه روز قصبه بهنبر را برود مسعود سر منزل شامانی ساختند - بیست و دوم ازین منزل فرمان عالیشان مشتملبر

طلب شاهزاده بلند مکان شاه شجاع بجهت یساق قندهار بخطّ خاص و خلعت والا مصعبوب امیر بیگ یسارل عزّ لرسال یافت و مناشیر قدر تاثیر بفام جسونت سنگه و رستم خان بهادر فیروز جنگ و راجه جی سنگه و راجه بیتهداس و آله و یرمی خان و نجابت خان و راجه رای سنگه و راوستر سال و راجه بهار سنگه بندیله و دیگر بندها صادر گشت که هر کدام از جا و مکان خود روانه شده روز وزن مبارک خود را بدرگاه آسمان جاه رسانند *

بیست و سوم وقت کوچ از بهنیر مہین خلف دودمان عزّ و اقبال شاهزاده محمد دازا شکوه که از دارالسلطنت لاهور بطریق استقبال برآمده بودند با سلیمان شکوه شرف ملازمت دریافتند - بیست و هشتم از آب جذاب براه جسر سفاین گزشته غره شوال دو منزلی جهانگیر آباد دولتخانه نمودند - نظر بهادر از تصور وطن خود و نورالحسن از سیوستان آمده ملازمت نمودند - نورالحسن بفوجدازی ترهت سرافرازی یافته مرخص گردید - دو هزار روپیه بسید حسن سلاله آل سید جلال و ماده فیل بشیم محمد صاحب سجاده حضرت قدوة الواصلین و زبدة المحققین شیم فرید شکر گنج مرحمت فرمودند - هفتم از جهانگیر آباد کوچ فرمودند - قلیچ خان و خسرو و بهرام پسران نذر محمد خان از دارالسلطنت لاهور آمده دولت آستان بوس معلی دریافتند - دهم بباغ دلکشا پرتو ورود افکنده بعد از تناول فرمودن نعمت خاصه آخر روز بر کشتی از دریای رومی گزشته دولتخانه لاهور را از یمن مقدم والا رشک نورستان باطن خدا بیجان ساختند *

شانزدهم حسب الحکم اشرف تربیت خان میر توزک باستقبال سید معی الدین ایلچی قیصر روم شنافته او را به پیشگاه حضور آورد -

و او بعد از بساط بوس ازجمن حضور پرنور نامۀ قیصر با دو اسپ عربی یکی با زین مرصع که قیصر بآئین سلطان مراد خان عمّ خود بطریق ارمغانی ارسال داشته بود و پنج اسپ از جانب خود گزرا نیده بانعام پانزده هزار روپیه سرعزت بارج فلک رسانید - میریحیی بخدمت دیوانی و داروغگی کرکراقیخانه احمد آباد بخلعت و اضافه منصب مباحی گشته دستوری یافت - و بکب اندر هزار و پانصد روپیه انعام شد *

از آن جهت که در هنگام اقامت کشمیر مهین اختر اوج سلطنت مرصداشت نموده بودند که اگر حکم شود صبیح^۱ خواجه عبد الرحمن ولد عبد العزیز خان نقشبندی را برای تازه نهال گلشن عز و اقبال شاهزاده سلیمان شکوه خواستگاری نموده آید و ملتمس بدرجۀ پذیرائی رسیده بیست و ششم رجب ازدواج بفعل آمد - چون در آن وقت چیزی نداده بودند چهارم آن ماه که وزن آن گل گلبن سلطنت بود خلعت خاصه و تسبیح مروارید منتظم با لعل و زمرد و جمدهر مرصع با پهلکناره و شمشیر مرصع با پردۀ مرصع عنایت فرمودند - و غیرت خان حارس احمد آباد از اصل و اضافه بمنصب سه هزاری در هزار سوار و طاهر خان بمنصب سه هزاری هزار سوار از اصل و اضافه سرفراز گردیدند - یازدهم بدوۀ التاج خلافت محمد شجاع بهادر طرۀ مرصع و تسبیح مروارید گران بها عنایت نموده مصحوب باقی بیگ گرز دار فرستادند - میرزا مراد کام از انتقال معتقد خان که درین ایام بساط هستی در نور دیده بود بضبط جونپور و منصب سه هزاری سه هزار سوار و عنایت نقارۀ بلند آوازه گشت - میر نعمت الله ولد میر ظهیر الدین بمنصب هزاری در صد سوار سر بر افراخته به نسبت دامادی مراد کام تعینات جونپور شد - و احمد بیگ خان بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار سوار و خدمت فوجداری بیسواره از تغیر مراد کام بر کام خاطر فیروز گردید *

بیست و یکم منزل مهین گوهر بحر خلافت و اقبال شاهزاده
 محمد دارا شکوه از ورود مسعود یگانه انفس و آفاق خدیو علی الاطلاق
 میمنت پذیرفته از جمله پیشکش آن والا گوهر جواهر و مرصع آلات و النوان
 اقمشه بقیمت یک لک و شصت هزار روپیه و فیلی سر آمد فیلان شاهزاده
 معز الیه بابت فرستاده عادل خان درجه پذیرائی یافت - چهار هزار روپیه
 از زر سرخ و سفید نثار به محیی الدین سفیر روم مرحمت نموده بعد از
 تفاعل نعمت خاصه آخر روز بدولتخانه مقدسه تشریف آوردند - شیر خان
 ترین بسبب حسن خدمت در ضبط هزاره و افغانه غزنین بمنصب دو هزار
 و پانصدی دو هزار و پانصد سوار در اسپه سرافراز گشت - بیست و نهم
 خواجه طیب از دار الخلافه شاهجهان آباد آمده سعادت ملازمت اشرف
 دریافت - درین تاریخ بمسامع جاء و جلال رسید که نذر محمد خان که روانه
 مکه معظمه شده بود در نزدیکی سمنان سلخ جمادی الثانی سال هزار
 و شصت و یک هجری سفر آن جهان اختیار نمود - خاقان بنده نواز
 خسرو و بهرام و عبد الرحمن پسران خان مرحوم را خلعت خاصه عنایت
 فرموده مشمول توجهات بی اندازه گردانیدند *

دستوری یافتن حاجی احمد سعید

بسفارت روم

چون حضرت حکیم علی الاطلاق جل برهانه رابطه مودت و اتحاد
 سلاطین عظام را باعث انتظام سلسله نظام جمله عالم و آرام عالمیان گردانید
 و استقامت احوال و افعال طبقه انام و جریان امور بر منهج قویم و صراط
 مستقیم اعتدال بضوابط موافقت و وداد خواقین کرام باز بسته خاقان
 کرم گستر که همیشه توجه و الیش مصروف سر انجام امور خیر است پس

مراتب دوستی مطمح نظر داشته غرقاً ذی حجه حاجی احمد سعید میر عدل را که برهنمونئی توفیق در مرتبه دولت حج دریافتند و در سال بیست و دوم جلوس والا تقدیلی گران بها که در کارخانه خاصه بمبلغ دو لک و پنجاه هزار روپیه با تمام رسیده و کیفیت و کمیت آن سابق بقلم آمده نذر روضه حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و سلم برده بود درینفولا نامزد سفارت روم نموده بخلعت و امانت منصب و انعام دوازده هزار روپیه نقد معزز ساختند - و از پیشگاه عنایت جیغه و شمشیر مرصع با پردازگه مرصع بقیامت یک لک روپیه بطریق ارمغانی با نامه از منشاك علامی سعد الله خان که نقل آن درین صحیفه نگارش یافته مصحوب مومی الیه به قیصر روم که محرک سلسله موالات گشته نامه مصحوب محی الدین فرستاده بود ارسال داشتند - و حکم فرمودند که اول بزیارت حرمین شریفین فلز گشته و متاع یک لک روپیه بر عرب بآئین پیشین به فقرا و ارباب استحقاق آنجا قسمت نموده بعد از آن متوجه روم گردند - خاقان دیندار کرم گستر از راه کمال ربط بمبداء و کمال نیایش از آغاز جلوس مبارک تا حال متاع ده لک روپیه که با منافع بیست لک روپیه می شود بدفعات بان در بقعه فیض طراز ارسال داشته تحریر سعادت گشته اند - محی الدین سفیر قیصر بخلعت و اسب با زمین مطلق و انعام پانزده هزار روپیه سرافراز گشته همراه حاجی احمد سعید رخصت یافت - خدمت و عدالت عسکر فیروزی اثر از تغییر او بشیخ عبد الصمد عمودی مرحمت فرمودند *

دهم ذی حجه روز عید الضحی بشان و شکوه مقور فیل سوار بعید گاه تشریف برده پس از ادای نماز به دولتخانه مراجعت فرموده رسم قربان به تقدیم رسانیدند - درین آمد و رفت از زر نثار عالمی را جیب و دامان آرزو بر از زر سرخ و نقره سفید نمودند - بیست و هشتم بعرض مقدس